پاورقی اقتصادی

آسیب‌شناسی تولیدگرایی از منظر سیاست‌گذاری اقتصادی(۲)

سیدابوتراب فاضل
دانشجوی دکترای علوم سیاسی

■ ورود صنعت و تولید بومی به ایران، همزمان با روند نوسازی و به عبارتی به تاسیس و استقرار دولت مدرن در سال‌های پیش از مشروطه برمی‌گردد. نساجی، قندوشکر، چرم‌سازی و به مرور زمان خودروسازی، الکترونیک و... روندی را به نمایش می‌گذارند که امروزه باید تولید ملی را به بهره‌وری فراوان رسانده باشند. اما آنچه در نتیجه مشاهده می‌شود جز آن است که انتظار می‌رود. چرا چنین شده است؟ موانع پیش رو از حیث تاریخی کدامند؟ و اساسا فرآیند توسعه صنعت مبتنی بر تولید، با چه فراز و فرودهایی مواجه بوده است؟ این سوالات البته برای دریافت پاسخ، نیاز به بحث مبسوط دارند که در حوصله این نوشتار نیست اما ما در این پژوهش تلاش می‌کنیم تا حمایت و هدایت تولید ملی را به‌مثابه یک سیاست عمومی مورد کنکاش قرار دهیم وبا استناد به نامگذاری امسال، فرآیند پیش رو را در وضعیت حال تبیین کنیم. همچنان‌که گفته شد مفروض ما در این تحریر این است که به دلایل تاریخی و فرهنگی، همچنین موانع سیاسی و اقتصادی و روندهای بین‌المللی، تولید و مقتضیات بومی‌شدن آن با مشکلات اساسی پیش رو بوده که ما از آن به عنوان «آسیب» یاد کرده‌ایم وبا توجه به نقش افزون دولت در ساختار اقتصادی ایران، موضوع آسیب‌های وارده را در قالب طراحی یک سیاست عمومی بررسی کرده‌ایم. بنا بر یافته‌های علمی در کشورهای در حال توسعه با ساختار توده‌گرایانه، سیاست‌گذاری عمومی بر مبنای نقش دولت تابعی از ساختار و فرآیند سیاسی حکومت تلقی می‌شود و لذا در این شرایط ساخت سیاسی باید تلاش کند تا سیاست‌های عمومی را به صورت آمرانه و با جلوه‌هایی از مردم‌گرایی به سرانجام برساند. بر همین اساس گفته می‌شود که مسوولیت اجتماعی دولت در روند سیاست‌گذاری کاملا مشهود است و در حوزه سیاست اقتصادی به واسطه حضور عناصر فعال در تاثیرگذاری زندگی اجتماعی، این مسوولیت دو چندان می‌شود. این وضعیت در جامعه ما قابل مشاهده است. در ایران مستند به تاریخ توسعه، دولت عامل و مانع توسعه بوده، البته این حالت غیرپارادوکسیکال فرض می‌شود چراکه دولت در زمان‌هایی به عنوان عامل و در مواقعی مانع توسعه محسوب شده، نگاهی به جریان تاریخی دولت مدرن در ایران نشان می‌دهد که هرگاه دولت‌ها در تولید سیاست عمومی تلاش عقلانی به خرج داده وبا هدف توسعه و رفاه و با لحاظ مسوولیت‌های اجتماعی خود، کوشش شایسته نشان داده‌اند، آن سیاست تاثیرات مثبتی در روند جاری کشور داشته و در غیر این صورت دولت‌ها خود ازجمله موانع اساسی توسعه بوده‌اند. در فرآیند هدایت تولید ملی نیز وضع به همین گونه است. در شرایط حاضر به واسطه جهانی‌شدن علم، ارتباطات بی‌حدوحصر، ضرورت‌ها و مقتضیات جهانی و دیگر عوامل داخلی و خارجی، دولت باید حمایت از تولید ملی را در قالب یک «سیاست عمومی» به رسمیت شناخته و اجرای آن را در دستور کار قرار دهد. در غیراین‌صورت موانع سختی پیش روی اجرای این راهبرد قرار خواهد گرفت. در این بخش موانع هدایت تولید ملی به‌مثابه یک راهبرد که به شکوفایی تولید و کارآفرینی منتهی می‌شود را بررسی می‌کنیم. پرواضح است که بر شمردن این موانع به معنی نفی کوشش‌ها و دستاوردها نیست که بسیاری با تداوم و استمرار به آن پرداخته‌اند، بلکه هدف واکاوی پیدایی شکافی است که امروزه بین تدوین راهبرد و عملیاتی شدن آن در این حوزه وجود دارد. بر این اساس گفته می‌شود که دولت به دلایل ماهیتی، شکلی و تاریخی توان یا اراده اجرای این راهبرد را ندارد. تاکید بر این نکته ضروری است که دولت‌ها در ایران به واسطه حضور عوامل سیاسی، غنی‌بودن، نفت و معضلات کارآمدی هیچ‌گاه به صورت جدی موضوع تولید را مدنظر قرار نداده‌اند. بنابراین اینک که در سال ۹۱ بنا به ضرورت‌ها و الزامات خارجی و داخلی و درک درست نخبگان بالادستی از مفهوم امنیت اقتصادی بر بستر تولید داخلی و همچنین شتاب زیاد کشورهای در حال توسعه برای فرار از وضعیت توسعه‌نیافتگی و ایجاد فاصله توسعه‌ای با ایران به موضوع تولید ملی در مقام راهبرد توجه شده است، ضروری است به آسیب‌شناسی هدایت راهبردی تولید ملی بپردازیم:

۱-تعیین نقطه عزیمت انگاره حمایت از تولید ملی (انعطاف‌پذیری در راهبرد)

به گمان پژوهشگران دانشگاهی وقتی از یک نگرش راهبردی سخن به میان می‌آید، ضرورتا به عامل دیگری در تراز خودش به نام رویکرد سیستمی توجه شده است، به بیان دیگر رویکرد سیستمی با رویکرد استراتژیکی و راهبردی هم‌تراز است ولی از حیث معنا و هویت متفاوت به نحوی که ماهیت حرکت راهبردی باید از انعطاف‌پذیری برخوردار باشد. به عبارتی انعطافات راهبردی، ذاتی تدوین یک استراتژی است. بنابراین چنانچه یک راهبرد در یک سیستم تصلب به خرج دهد یا با یک سیستم متصلب برخورد کند، به لحاظ وجود ساختارهای شکل گرفته قطعی، راهبرد با معضل اجرا روبه‌رو می‌شود. از این حیث باید «نقطه عزیمت» یا «نقطه شروع» مورد توجه جدی قرار گیرد. به عبارت دیگر برای ایجاد موقعیت‌های جدید برای راهبری هر راهبرد باید یک نقطه شروع تعریف شود تا انطباق با سیستم حاصل شود. این نقطه شروع در انگاره حمایت از تولید ملی، ساخت منعطف دولت یا «اراده دولت در اجرای این استراتژی» است. فرض کنید که دولتی با ظرفیت بالای ثروت و میل به واردات و عدم تمکین به قواعد واقعی اقتصاد چگونه ممکن است نقطه آغازین یک راهبرد مبتنی بر تولید ملی را درک کند؟ به عبارتی برای آغاز راهبرد هدایت تولید ملی سامان تصمیم‌سازی دولت باید خود را ابتدا از حیث گفتمانی و سپس اجرایی آماده کند در غیراینصورت «خلق شعار» نمی‌تواند چاره‌ساز و راهگشا باشد.

ادامه دارد ...

موج کم‌فروشی، بازار محصولات مختلف را فراگرفت

«پیچ کج» برای دور زدن هزینه‌های تولید

شرق: «کم‌فروشی»؛ این واژه‌ای است که این روزها زیاد در بازار محصولات مختلف شنیده می‌شود. البته کم‌فروشی اتفاق تازه‌ای نیست. مصرف‌کنندگان ایرانی بدون تعارف همیشه این واژه را شنیده‌اند و در دوره‌های مختلف همواره کم‌فروشی یک پدیده در بازار بوده است. حتی پیش از این در بازار مسکن نیز کم‌فروشی وجود داشته است. بساز و بفروش‌ها در واقع طیفی از اقتصاد ایران بودند که در دوره‌های زیادی ساختمان‌های آنها متهم به کم‌فروشی می‌شد. این بار اما ماجرا تا حد زیادی فرق کرده است. به عبارتی بعد از تنگناهایی که به واسطه سیاست‌های اقتصادی برای تولید در چند سال گذشته رخ داده است ظاهرا گروهی از تولیدکنندگان علاج دوری از قیمت‌های دستوری و از سوی دیگر مقابله با افزایش هزینه‌های تولید را در کم‌فروشی یافته‌اند. این ادعایی است که این روزها از سوی فروشندگان و مصرف‌کنندگان و همچنین رسانه‌ها زیاد شنیده می‌شود. این البته فقط بخشی از ماجرا است چون روی دیگر سکه تولیدکنندگان ظاهرا سناریوی کم‌فروشی را طبیعی‌ترین واکنش به سیاست‌های اقتصادی می‌دانند. آنها بر این باورند که وقتی هزینه تولید بعد از برنامه‌های دولتی اقتصاد افزایش یافته است و دولتی‌ها نیز به موازات این افزایش هزینه‌ها اجازه رشد قیمت‌ها را نمی‌دهند، کم‌فروشی راهبردی برای جلوگیری از زیان می‌شود. اما این که تا چه حد کم‌فروشی‌ها می‌تواند گره‌های تولید را باز کند، پرسشی است که خود تولیدکنندگان نیز جواب محکمی برای آن ندارند. تا به اینجای کار ظاهرا فقط می‌توان گفت که سیاست‌های اقتصادی، تولید را در تنگنا قرار داده است و برخی تولیدکنندگان نیز برای عبور از این تنگنا یکی از راه‌هایی که به آن تکیه می‌کنند، کم‌فروشی است. بدون شک هیچ کارشناس اقتصادی، مصرف‌کننده و فعال اقتصادی کم‌فروشی را مورد تایید قرار نمی‌دهد اما این افراد تایید می‌کنند که در شرایط فعلی، تولید همچنان سخت‌ترین فعالیت اقتصادی است که این سختی در چند سال گذشته قطورتر شده است. گزارش‌های موجود از بازار نشان می‌دهد که کم‌فروشی در شکل‌های مختلف رواج یافته است. تولیدکنندگان در واقع برای غلبه بر هزینه تولید یا دستی در بسته‌بندی کالای خود می‌برند که کاستی ارایه محصول را پوشش دهد یا با کاهش وزن محصول مورد نظر سعی در پوشش هزینه‌های تولید دارند. مثلا این روزها به وضوح دیده می‌شود، خوراکی‌هایی که دارای بسته‌بندی با ظروف شیشه‌ای شفاف هستند یا با تغییر اندازه شیشه به بازار عرضه می‌شوند یا برچسب روی آنها پهن‌تر شده است تا محتوای ظرف به راحتی دیده نشود. تغییر رنگ شیشه‌ها و بطری‌های محصول نیز ظاهرا یکی دیگر از راهبردهای تولیدکنندگان برای کم‌فروشی است. مصرف‌کنندگان، کالای دوغ را مثال می‌زنند که برخی از برندهای آنان به تازگی در بطری‌های مات ارایه می‌شود تا کم‌شدن حجم محصول مشخص نشود. محصولاتی نظیر چیپس نیز به باور مصرف‌کنندگان گرفتار کم‌فروشی شده است. پیش از این ظاهرا هر بسته چیپس یک‌صد گرم وزن داشته است که حالا به ۸۰گرم کاهش یافته است اما از سوی دیگر باد موجود در بسته‌های چیپس افزایش یافته است. کاهش ارتفاع مواد شوینده در ظرف‌های مختلف یکی دیگر از مظاهر کم‌فروشی است که مصرف‌کنندگان به آن اشاره می‌کنند. بازار محصولات سلولزی نیز جدیدا به بازارهایی پیوسته است که گرفتار کم‌فروشی هستند. دیروز «ایسنا» نوشت که تخلفات گسترده در بازار محصولات سلولزی به‌ویژه دستمال کاغذی وجود دارد. براساس گزارش‌های موجود اندازه جعبه دستمال کاغذی باید ۲۰×۲۰/۵ سانتی‌متر باشد، اما تولیدکنندگان داخل این جعبه‌ها دستمال‌هایی با اندازه‌های ۱۷×۱۷ یا ۱۹×۱۹ قرار می‌دهند که این به معنای کم‌فروشی آشکار است. با این کار میزان و تعداد دستمال کاغذی موجود در جعبه کاهش پیدا کرده، اما قیمت آن هیچ تغییری نمی‌کند. نکته جالب اینجاست که برخی از برندهای معروف دستمال کاغذی نیز اقدام به کم‌فروشی می‌کنند که بعضا این برندها عضو انجمن صنایع سلولزی و بهداشتی ایران نیز هستند. در یک نمونه یک کارخانه تولید دستمال کاغذی در تبلیغاتی فریبنده، نوعی بسته‌بندی جدید از محصول خود را روانه بازار کرده که در آن سه بسته دستمال معمولی و یک بسته کوچک دستمال قرار دارد. بنا بر آنچه در تبلیغات این کالا مشاهده می‌شود، بسته کوچک دستمال کاغذی، در واقع هدیه خرید سه بسته دیگر است اما واقعیت چیز دیگری است. واقعیت این است که تولیدکننده، در دو بسته از سه بسته بزرگ دستمال‌ها، به جای قرار دادن صد برگ دولا، ۵۰ برگ دولا و ۵۰ برگ یک‌لا قرار داده است چون این دستمال‌ها به صورت یکی در میان قرار گرفته‌اند، شاید هر مصرف‌کننده‌ای متوجه فریب این تولیدکننده نشود. با این وجود، تولیدکننده برگ‌های اضافی از این دو بسته را در بسته چهارم قرار داده و آن را به عنوان جایزه به مصرف‌کننده می‌دهد. یک فعال بازار محصولات سلولزی و بهداشتی می‌گوید: انجمن صنایع سلولزی و بهداشتی باید با تولیدکنندگان متخلف برخورد کند و برای این کار مسوولیت قانونی هم دارد. او با اشاره به اینکه در مورد دستمال‌های دو قلو و چهار قلو نیز کم‌فروشی صورت می‌گیرد، افزود: عرضه دستمال کاغذی به صورت فله غیرقانونی و ممنوع بوده، اما متاسفانه همچنان شاهد عرضه این نوع دستمال‌ها در بازار هستیم. مردم باید بدانند که این دستمال‌ها غیربهداشتی بوده و مصرف آنها ممکن است تبعات منفی زیادی برای سلامتی افراد داشته باشد. فارغ از محصولات سلولزی شاید مصرف‌کنندگان بیشتر از هر بازار دیگری روی بازار محصولات موادغذایی در مورد کم‌فروشی اجماع دارند. نمونه‌هایی که اخیرا در این مورد مشاهده شده، نشان می‌دهد که با وجود مراجعه روزمره مردم برای خرید این محصولات، هر روز تغییرات جدیدی در راستای کم کردن حجم و وزن تولیدات اعمال می‌شود. ایسنا می‌نویسد: شرکت تولیدکننده دوغ «س»، از مدتی پیش روشی را برای فریب دادن خریداران محصولاتش برگزیده است. محصول تولیدی این کارخانه که پیش از این در بطری‌های شفاف قرار داشت، هم‌اکنون در بطری‌های سفیدرنگ ریخته می‌شود. واضح است که با وجود یک بطری سفیدرنگ برای محصولی مثل دوغ، امکان تشخیص میزان محتوای آن وجود نخواهد داشت. اما در این محصول یک نوآوری دیگر هم وجود دارد؛ آن هم اینکه اگرچه روی بطری این محصول عبارت «دوغ بدون گاز» نوشته شده، اما داخل آن با دوغ گازدار پر شده است. این کار از آن جهت است که اقبال مردم پس از اطلاع از مضرات نوشابه‌های گازدار به این نوع محصولات کم شده و ظاهرا به دلیل فروش نرفتن آن، شرکت تولیدی تصمیم گرفته این روش را برای باقی نماندن تولیداتش در کارخانه استفاده کند. اما یک مورد جذاب دیگر هم در بازار تولید ایران مشاهده شده است. این مورد هم اتفاقا در صنایع لبنی و در بخش تولید خامه است. در حال حاضر شرکت‌های مختلفی خامه عسلی و شکلاتی تولید می‌کنند. تولیدکنندگان این محصولات، ظرف خامه عسلی را زردرنگ و ظرف خامه شکلاتی را قهوه‌ای‌رنگ تولید می‌کنند. در چنین شرایطی خریدار هرگز متوجه میزان محتوای ظرف‌ها نخواهد شد و فقط پس از باز کردن آنهاست که متوجه می‌شود نیمی از ظرف خالی است.جالب اما اینجاست که هنوز مدیران دولتی ظاهرا راهبردی برای مقابله با کم‌فروشی ندارند. البته بدون شک بهترین راه برای مقابله با پدیده کم‌فروشی ترمیم سیاست‌های اقتصادی به نفع تولید است ولی در حال حاضر که برنامه‌های اقتصادی به قول کارشناسان ضدتولید است باید راهبردی برای جلوگیری از کم‌فروشی وجود داشته باشد. موسسه استاندارد به عنوان یکی از اهرم‌های دولتی تنها به نوشته‌ها و اطلاعات موجود روی بسته‌بندی کالاها نگاه می‌کند و کاری به حجم کالاهای مصرفی ندارد. با این ارزیابی ظاهرا ۹۰درصد از استاندارد محصول ارایه می‌شود ولی باز ۱۰درصد کم‌فروشی وجود دارد. حالا در نظر بگیرید که اگر موسسه استاندارد اندازه و حجم محصولات را نیز مورد ارزیابی دقیق قرار می‌داد میزان کم‌فروشی به چه رقمی می‌رسید. «فریدون بلغاری»، مدیرکل نظارت بر اجرای استاندارد سازمان ملی استاندارد ایران، با اشاره به اینکه بررسی‌های این سازمان حاکی از صحت ۹۰درصدی انطباق مشخصات درج شده روی بسته‌بندی موادغذایی با محتویات داخل آن است، می‌گوید: سازمان استاندارد هر آن چیزی را که روی بسته‌بندی موادغذایی نوشته، اندازه می‌گیرد که در ۹۰درصد موارد این نوشته‌ها به واقعیت نزدیک بوده است. وی افزود: تولیدکنندگان، نشانه‌گذاری‌های خود را روی بسته‌بندی محصولاتشان اصلاح کرده‌اند. مثلا دیگر به جای ۸۰۰ سی‌سی، هزار سی‌سی روی بطری‌های نوشیدنی نوشته نمی‌شود. این مقام مسوول در عین حال در واکنش به این گفته که برخی تولیدکنندگان حجم محصول تولیدی خود را کاهش داده اما قیمت آن را پایین نیاورده‌اند، گفت: ما به قیمت کالا کاری نداریم.

عکس: امیر جدیدی/شرق

سناریوی هشدارآمیز «تورم ۴ نعل» با شوک‌درمانی در فاز دوم هدفمندی

فارس: یک اقتصاددان هشدار داد: اصرار به شوک‌درمانی در اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها به انفجار تورمی یا همان «تورم چهارنعل» یا «تورم تازنده» می‌انجامد. «عبدالحسین ساسان» نویسنده کتاب‌های «اقتصاد بخش عمومی»، «مالیه عمومی و خط‌مشی دولت‌ها»، «اقتصاد جابه‌جاگری» و «حساسیت بهاگذاری فرآورده‌های کشاورزی» معتقد است که با بروز تورم تازنده، بسیاری کشورها مجبور شده‌اند تا طرح‌های اقتصادی بزرگ خود همچون هدفمندی یارانه‌ها را رها کنند که نمونه آن الجزایر بوده است. بخش‌هایی از این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید.

■■■

آینده اجرای هدفمندی یارانه‌ها را مبتنی بر شرایط فعلی چطور ارزیابی می‌کنید؟

طرح هدفمندی یارانه‌ها تاکنون حدود یک‌درصد پیامدهای خود را ظاهر کرده است. تا پایان سال‌جاری حدود پنج‌درصد از پیامدهای این طرح متبلور خواهد شد. در سال ۱۳۹۲ حدود ۱۵درصد از پیامدهای این طرح بروز خواهد کرد. من پیش‌بینی می‌کنم که تا پایان سال ۱۳۹۳ حدود ۳۵درصد، تا پایان سال ۱۳۹۴ حدود ۶۵درصد و سرانجام تا پایان سال ۱۳۹۵ عمده آثار و پیامدهای این طرح خود را نشان خواهد داد. در آن هنگام یعنی در پایان سال ۱۳۹۵ دیگر ... . امروز که من این سخنان را می‌گویم انتظار دارم که هیچ‌کس سخن مرا باور نکند. حتی انتظار دارم که این پیش‌بینی در محافل و مجالس گوشه و کنار کشور به عنوان لطیفه نقل شود و اسباب خنده و مسرت مردم را فراهم کند. من از اینکه موجب مسرت مردم شوم، بسیار راضی و خرسندم. ولی دعا می‌کنم که آن روز پیش نیاید که کسانی که امروز این سخنان را باور نمی‌کنند با خود بگویند «الیوم یوم البدتر» (امروز از آنچه فلانی می‌گفت بدتر شده).

از صمیم قلب می‌گویم که آرزویی جز این ندارم که در پایان سال ۱۳۹۵ این پیش‌بینی‌ها تحقق نیابند.

آیا نباید این جراحی اقتصادی صورت می‌گرفت؟

این جراحی می‌توانست هنگامی که بیمار در وضعیت بهتر قرار دارد انجام شود. مثلا هنگام جراحی نباید فشار خون و قند و اوره بیمار بالا باشد. به همین دلیل پیش از جراحی یک دوره فشرده درمانی لازم بود که در آن دوره فشرده دفاع طبیعی بدن بیمار افزایش یابد و برای جراحی بزرگ آماده شود. مثلا اگر مثال را به اقتصاد بکشانیم باید ذخایر ارزی به شدت افزایش یابد، دیپلماسی کشور بسیار فعال شود و روابط تشنج‌آفرین را کاهش دهد تا بتوان در هنگام خونریزی ناشی از جراحی، از ایمنی لازم برخوردار بود. در این صورت هنگامی که هزینه‌های دولت افزایش می‌یافت می‌توانست در هزینه‌های دفاعی خود صرفه‌جویی کند. در عمل چنین تدابیری اقتصاد را برای جراحی بزرگ آماده‌تر می‌کرد از آن گذشته کمتر جراحی حاضر می‌شود که یک‌بار هم استخوان‌های زانو را جراحی کند و هم ستون فقرات را. معمولا برای پروتز زانوها و ستون فقرات چند زمان مختلف انتخاب می‌شود و در هر عمل جراحی یک جراحی بزرگ صورت می‌گیرد.

اکنون که در میانه جراحی اقتصادی هستیم چه باید بکنیم؟

نرخ یا شیب اجرای هدفمندی یارانه‌ها را باید کاهش داد. درست برعکس نظریه شوک‌درمانی که می‌گوید «مرگ یک‌بار و شیون هم یکبار.» من اعتقاد دارم که با بیماران با نهایت ملاحظات و مهربانی باید رفتار کرد. یعنی دوره آمادگی را تعریف کرد و دقیقا آن را به اجرا گذاشت. یکی از مهم‌ترین اقدامات دوران آمادگی آن است که با وام‌های بانکی، تاسیسات گرمایشی و سرمایشی فرسوده و قدیمی را در خانواده‌ها نوسازی کرد و با یاری وام بانکی، مصرف گاز، آب و برق را به شدت کاهش داد سپس به واقعی کردن قیمت‌ها اقدام کرد.

آیا افزایش شیب، به افزایش بیش از پیش تورم نمی‌انجامد؟

شوک‌درمانی به انفجار تورمی می‌انجامد که تورم چهارنعل یا تازنده گفته می‌شود. تورم تازنده در برخی کشورها به قدری هزینه‌های پلیسی و نظامی را افزایش داد که از نیمه راه رها شد. الجزایر از نمونه‌های مهم تورم تازنده است. الجزایر حدود یک دهه پس از حذف یارانه‌ها دچار تورم تازنده و آشوب بود. بنابراین یک بازنگری در شیب حذف یارانه‌ها لازم به نظر می‌رسد. در شرایط فعلی بهترین اقدام این است که خانواده‌های آسیب‌دیده با وام بانکی دوره نقاهت را بتوانند طی کنند. بنابراین سیاست‌های حمایتی از طریق پرداخت مستقیم در سال‌جاری کفایت نخواهد کرد و باید کمک‌های بیشتری به اقشار آسیب‌پذیر اعطا شود. در غیر این صورت این جراحی آنان را نابود خواهد کرد.

آیا عامل بروز تورم، افزایش نرخ ارز و... را اجرای هدفمندی یارانه‌ها می‌دانید؟

همه برای هدفمندی یارانه‌ها نبود. مقدار زیادی از آن، به انتظارات تورمی مربوط است. بخش دیگر آن نیز به چاپ پول ملی بیش از حد و بی‌ارزش شدن پول ملی مربوط است. این شرایط سبب پناه بردن مردم از بد حادثه به دلار شد. آنها می‌دانستند که قدرت پول ملی داخلی در حال نزول است.

پیش‌بینی شما از ادامه روند مذکور چیست؟

به طور قطع و یقین، کوچک‌ترین پیش‌بینی از کاهش ارزش ریال، هجوم به طلا و نقره و ارز را افزایش خواهد داد.

به نظر شما چه باید کرد؟

هیچ راهی جز اجرای هدفمندی یارانه‌ها با شیب ملایم نمی‌تواند نجات‌دهنده باشد.

منظور از شیب ملایم طی چند سال است؟

حداقل طی پنج سال تا دولت در این صورت بتواند اقشار آسیب‌پذیر را زیر بال و پر خود بگیرد. به صور مختلف باید کمک کند تا این‌گونه اقشار دچار صدمه نشوند یا جامعه به تشنج کشیده نشود.

خبر

سایت‌های فروش اینترنتی غیرمجاز فیلتر می‌شوند

■ **مهر:** قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت از طراحی لوگوی اعتماد برای ارایه به فروشندگان اینترنتی کالا از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت خبر داد و گفت: با هماهنگی صورت‌گرفته با وزارت ارتباطات سایت‌های غیرمجاز فروش اینترنتی فیلتر می‌شوند. «محمدصادق مفتح» از برنامه وزارت صنعت، معدن و تجارت برای فیلتر سایت‌های غیرمجاز فروش اینترنتی کالا خبر داد و گفت: در شکایاتی که مردم بابت خریدهای اینترنتی کالا داشته‌اند، مذاکرات وسیعی با وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات صورت گرفت که بر این اساس مقرر شده آن دسته از سایت‌هایی که در فروش اینترنتی کالاهای خود تقلب می‌کنند، فیلتر شوند.

وام زیر ۱۰میلیون تنها با یک ضامن

■ **فارس:** رییس کل بانک مرکزی گفت: عملکرد موسسات مالی و اعتباری به دقت بررسی می‌شود و در صورت بروز تخلف و توجه نکردن به اخطارهای بانک مرکزی، مجوز فعالیت متخلفان باطل و موسسه آنها بسته خواهد شد. محمود بهمنی با تذکر مجدد به بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات خرد به متقاضیان گفت: همان‌طور که بارها اعلام شده است، باز هم اعلام می‌کنیم؛ وام‌های تا سقف ۱۰میلیون‌تومان با یک ضامن قابل پرداخت است و اگر ما متوجه شویم همکار ما در این زمینه قصور کرده، با متخلفان برخورد می‌شود و اگر کسی به موارد اینچنینی برخورد کرد، به بانک مرکزی اعلام کند و ما وارد قضیه می‌شویم.

بازار صادرات تخم‌مرغ ایران در حال شکستن

■ **فارس:** در حالی امسال صدهزار تن مازاد تولید تخم‌مرغ در کشور وجود دارد و ترکیه به تازگی برای حذف ایران از بازارهای منطقه به صادرات هر کارتن تخم‌مرغ ۱۳دلار یارانه می‌دهد اما هنوز برنامه صادراتی در کشور نیست و پیشنهاد جایزه صادراتی هم مسکوت مانده است. براساس این گزارش به دلیل فراوانی عرضه تخم‌مرغ در سال‌جاری قیمت به‌شدت کاهش یافت طوری که تولیدکنندگان نصف قیمت تمام‌شده فروختند که به گفته آنها صنعت مرغداری کشور روزانه ۱/۵میلیاردتومان ضرر می‌بیند. در حال حاضر کشور امسال صدهزار تن مازاد تولید تخم‌مرغ دارد که نیازمند اتخاذ برنامه صادراتی است، تخم‌مرغ‌ها در انبارها انباشته شده و به ناچار و برای جلوگیری از فساد توسط دوره‌گردها روی وانت‌بارها به فروش می‌رسد.